

بررسی اهمیت اصل غافلگیری در جنگ‌های پیامبر اکرم (ص) و کاربرد آن در عصر حاضر

سعید فیروزی^۱، سید هدایت اله حسینی^۲

دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۰۲

پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۰۲

چکیده:

سیره نظامی پیامبر اکرم (ص) در جنگ‌ها بدین صورت بوده است که برای گسترش اسلام و دعوت به دین، ایشان ابتدا تبلیغ، ارشاد و به دنبال آن سفیر به اقصی نقاط ارسال می‌فرمودند. هدف از این پژوهش، نشان‌دادن اهمیت اصل غافلگیری با الهام از تدابیر پیامبر اکرم (ص) در جنگ‌های صدر اسلام است و در نهایت به این نتیجه می‌رسد که آیا می‌توان با استفاده از این اصل در حال حاضر در مقابل دشمنی قوی‌تر ایستاد و به اهداف مورد نظر خود رسید؟ این پژوهش با روشی توصیفی تحلیلی و با استناد به منابع کتابخانه‌ای و مقالات معتبر تهیه شده؛ و به دنبال آن است که اهمیت اصل غافلگیری را در جنگ‌های پیامبر (ص) مورد بررسی قرار داده است.

نتایج این تحقیق حاکی از آن است که اگر بتوانیم در شرایط نبرد امروزی که یک نبرد ناهمطراز است، به دکتترین نظامی دشمن به‌طور کامل احاطه داشته باشیم؛ به راحتی می‌توانیم حرکات او را در صحنه نبرد حدس زده و با روش‌های نبرد ناهمطراز و حمله به استراتژی کلی دشمن، وی را به‌طور کامل غافلگیر کرد.

واژگان کلیدی: جنگ، سیره نظامی، غافلگیری، غزوه، فرماندهی

^۱ مدرس دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (ع)

^۲ دانش‌آموخته مدیریت دفاعی

مقدمه:

از زمان آشکارشدن بعثت حضرت محمد (ص)، ایشان با جدی‌ترین مشکلات در جهت ترویج و تبلیغ دین اسلام مواجه شد. در آن زمان طرفداران دین حضرت محمد (ص) و یا همان سپاه اسلام نسبت به سپاه دشمنان بسیار اندک بودند. با آمدن اسلام، موقعیت اجتماعی و حکومتی بسیاری از مشرکین و همچنین حاکمان وقت با مشکل مواجه شد و آن‌ها درصدد برآمدند تا با عناوین مختلف با حضرت محمد (ص) وارد جنگ شوند. چگونه حضرت محمد (ص) با سپاه اندک می‌توانست در برابر سپاه دشمنان که از هر نظر بر سپاه اسلام برتری داشت غلبه کند؟ (بلاذری، ۱۳۹۷: ۹۵).

در جنگ‌های امروزی دو عامل مهم انسان و ابزار، نقش‌آفرینی می‌کنند که انسان به‌عنوان عامل اصلی، مشابه ابزار قابل شناخت و پیش‌بینی نبوده و در هر شرایطی ممکن است متفاوت عمل کند و از اصول جنگ مشخص، به صورت متفاوت استفاده نماید. بکار بستن هر یک از اصول جنگ توسط فرماندهان بنا به تجربه و شرایط میدان نبرد، ممکن است کاملاً متفاوت باشد؛ مثلاً ممکن است یک فرمانده به منظور کسب غافلگیری، چندین اصل دیگر را به عمد نادیده بگیرد. توسعه روزافزون تکنولوژی و بروز تاکتیک‌های جدید، موجب تغییراتی در نحوه بکار بستن اصول جنگ شده و از طرفی رده فرماندهی هم ممکن است در روش و نحوه اجرا و رعایت هر اصل در سطوح مختلف تکنیکی، تاکتیکی، عملیاتی و استراتژیکی، ایجاد تفاوت نماید (بیات، ۱۳۹۹: ۱۳۸).

هنر جنگ زمانی شکل می‌گیرد که بتوان با کمترین هزینه و تلفات به خودی و دشمن، نتیجه جنگ را به نفع خود تغییر داد. در عملیات‌های مختلف ۸ سال دفاع مقدس، مخصوصاً در عملیات‌های فتح المبین، بیت‌المقدس و والفجر ۸، رزمندگان اسلام با مانور سریع و غافلگیرکردن دشمن، با کمترین هزینه و تلفات به بزرگ‌ترین پیروزی‌ها نائل آمدند (بیات، ۱۳۹۹: ۱۳۸).

این اصل در سطح استراتژیک با بسیج و جابجایی سریع و به موقع نیروها، اشرافیت

اطلاعاتی، رعایت تأمین، به‌کارگیری سلاح‌های غیرمنتظره و فریب با شیوه‌های مختلف حاصل و در سطح تاکتیک با پنهان‌نگه‌داشتن طرح‌ها و دستورات، آمادگی‌ها، سرعت در حرکات، تنوع در تاکتیک‌ها و روش‌ها و اقدامات فریبنده فراهم می‌گردد (بیات، ۱۳۹۹: ۱۳۸).

بیان مسأله:

حمله به نقاط ضعف دشمن با ابزار جدید و ناشناخته و در عین حال پرهیز از توانمندی‌های دشمن، قدمتی به دیرینگی خود جنگ دارد. لیدل هارت از نظریه‌پردازان بریتانیایی معتقد است: نقطه ضعف دشمن را شناسایی کنید و با کلیه نیروها به نقاط ضعف دشمن حمله کنید و در عین حال در برابر خطر حمله دشمن از نقاط ضعف خودی محافظت و دفاع کنید (مهدی‌زاده، ۱۳۹۳: ۵۳).

صاحب‌نظر دیگری معتقد است عملیات ناهمطراز نه تنها هدف کلی عملیات نظامی است، بلکه هدف هر اقدام رقابتی محسوب می‌شود که هدف آن‌ها تعدیل و جبران نقاط ضعف طرف مهاجم با حمله کردن به مرکز و قلب نیروهایی است که دشمن را متعجب و سرگردان و نامتوازن می‌کند (مهدی‌زاده، ۱۳۹۳: ۵۳).

در جنگ جهانی دوم، آلمانی‌ها در فاصله بین کشتی‌های نیروهای انگلیس و آمریکا از طریق پست، اقدام به ارسال بمب‌های بسته‌بندی شده می‌کردند؛ این بمب‌ها طوری زمان‌بندی شده بود که در وسط اقیانوس آرام منفجر می‌شد و کشتی‌هایی را که نیروی لجستیک متحدین را پشتیبانی می‌کرد، غرق کرده و در نتیجه جلوی به خطر افتادن یک زیردریایی برای چنین مأموریتی گرفته می‌شد. حتی سابقه انجام عملیات انتحاری بدون در نظر گرفتن جنگ متعارف و نامتعارف برخی از کشورهای بزرگ در عملیات کامیکازا ژاپن در جنگ جهانی دوم مشهود است. این تاکتیک، نه تنها مورد پذیرش تاریخ‌نویسان حکومت‌های لیبرال دموکرات مدرن بود؛ بلکه به عنوان اقدام جنگی بیشتر جانبی، ناهمطراز و جسورانه مورد تجلیل و ستایش قرار گرفت. این تاکتیک‌ها یک وجه افتراقی را هم ایجاد کرد، حداقل به

صورت زودگذر اهرم فشار یا مزیتی را در مقابله با نیروهای نسبتاً متوازن در اختیار حریف اصلی قرار می‌دهد. چنین نمونه‌ای از جنگ ناهمطراز از جنبه‌های ذاتی و تفکیک‌ناپذیر شیوه مانور یا حرکت ماهرانه محسوب می‌شود. انتظار می‌رود این موارد جزء انواع و اقسام فعالیت‌ها و اقدامات خارق‌العاده‌ای باشند که هر جنگاوری احتمالاً در مقابله با دشمن برتر به آن دست پیدا می‌کنند (مهدی زاده، ۱۳۹۳: ۵۳).

به هر صورت، این دیدگاه بر این باور است که اگر از فریب و غافلگیری به عنوان ویژگی نبرد ناهمطراز نام می‌بریم، بایستی بدانیم که این بخش جداناپذیر کلیه جنگ‌ها بوده و اگر یافتن ابزار یا راهی برای مقابله با قدرت و فن‌آوری دشمن است، تاریخ جنگ مشحون از این موارد است و اگر معنای جنگ ناهمطراز پرهیز از نقاط قوت دشمن و حمله به نقاط ضعف دشمن است، می‌توان گفت که شیوه عقلایی تمامی طراحان و فرماندهان نظامی تا به حال چنین بوده و از این پس نیز چنین خواهد بود. خلاصه اینکه، سخن گفتن با حرارت و شور تعدادی از کارشناسان از پدیده‌ای به نام جنگ ناهمطراز نشان از آن دارد که آن‌ها از درک این نکته باز مانده‌اند که هدف کلیه جنگ‌ها خلق موارد عدم تقارن برای شکست دشمن است.

اهداف:

هدف از این پژوهش، بررسی اصل غافلگیری در زمان پیامبر اکرم (ص) و نشان‌دادن اهمیت اصل غافلگیری در زمان آن حضرت، با الهام از تدابیر پیامبر اکرم (ص) در جنگ‌های صدر اسلام است. در نهایت به این نتیجه می‌رسد که آیا این اصل در حال حاضر (با توجه به پیشرفت در صنعت و تکنولوژی) کاربرد خاص خود را در صحنه نبرد دارا است یا خیر؟ و با استفاده از این اصل مهم آیا می‌توان در مقابل دشمنی قوی‌تر ایستاد و به اهداف مورد نظر خود رسید؟

سؤال تحقیق:

پیامبر اکرم (ص) چگونه از اصل غافلگیری در جنگ‌های خود استفاده می‌کردند و

کاربرد این اصل در عصر حاضر چگونه است؟

اهمیت تحقیق:

اهمیت پژوهش از اینجا معلوم می‌شود که پیامبر اکرم (ص) با نیرو و تجهیزات کم چگونه توانست بر دشمنی قوی‌تر از خود نبرد کرده و پیروز گردد؟ پیامبر اکرم (ص) با استفاده از تاکتیک‌های جدید نظامی و با فرماندهی بسیار دقیق، این برتری عددی و تجهیزاتی دشمن را خنثی می‌کردند.

قبل از هر چیز لازم است این مطلب بیان شود که پیامبر (ص) بیشتر تاکتیک‌های جنگی که اجرا می‌کردند، از نبوغ خود ایشان بوده و از کسی یا تجربه‌ای در جایی یاد نگرفته بودند. پس حالا می‌توان با دقت بیشتری به تدابیر و تصمیمات ایشان در مورد لشکرآرایی و تجهیز سازمان و نیروها توجه کرد.

ضرورت تحقیق:

در صورت پرداختن به این تحقیق می‌توان نقاط قوت و ضعف نیروهای دشمن را شناسایی کرده و در برابر آن می‌توان تدابیری اندیشید تا در لحظه عمل غافلگیر نشد. اما در صورت پرداختن به این تحقیق، ممکن است به احتمال زیاد در برابر نیروهای دشمن غافلگیر شده و تلفات ما در حوزه انسانی به مراتب بسیار زیاد خواهد بود.

پیشینه تحقیق:

در این تحقیق پیرامون تاکتیک‌های پیامبر (ص)، تحقیقی از نوع توصیفی و کتابخانه‌ای صورت گرفته است. البته خاطر نشان می‌شود که تحقیقات و پژوهش‌هایی در مورد جنگ‌های پیامبر (ص) صورت گرفته؛ از جمله آن، شیوه فرماندهی پیامبر (ص) اثر محمود شیت خطاب و غزوات الرسول اثر وارث الکندی و یا جنگ‌های پیامبر اکرم (ص) اثر ناصر طاهر نیا که البته بیشتر آن‌ها از جنبه تاریخی قابل ملاحظه است. اما در عصر حاضر به تحقیقات متعددی در مورد رعایت یا عدم رعایت اصل غافلگیری در جنگ‌ها بر می‌خوریم که به تعدادی از آن‌ها اشاره می‌شود:

ردیف	نام و نام خانوادگی	عنوان تحقیق	سال انجام	نتایج
۱	سید یحیی صفوی	الزامات راهبردی در جنگ ناهمپراز	۱۳۷۸	تاریخ جنگ‌ها موارد بی‌شماری از طرح‌های غافلگیری و فریب را به ما معرفی می‌کند. اما با توجه به اینکه در جنگ‌های ناهمپراز امروزه، با دشمنانی برتر از خودمان در حوزه‌های تجهیزاتی هستیم، لذا اهمیت این اصول چند برابر خواهد بود.
۲	قدرت‌اله پیرزاد فرد	اصول جنگ و ارتباط آن با در عملیات ویژه و مشترک	۱۳۸۴	اصول جنگ حقایق مسلمی است که حاکم بر میدان نبرد است و استفاده به موقع و به جا از این اصول، موفقیت و پیروزی در میدان نبرد را به دنبال دارد که یکی از مهم‌ترین این اصول استفاده از اصل غافلگیری و فریب دشمن است.
۳	سید مجید جدی و حسن فرقانی	بررسی علل عدم موفقیت عملیات کربلای ۴	۱۳۸۳	یکی از علل و عواملی که به شکست ما در این عملیات منجر شد، عدم دستیابی به اصل غافلگیری و در واقع غافلگیر نشدن دشمن از عملیات ما بنا به دلایل مختلف از جمله لو رفتن عملیات و ... بود.

ادبیات تحقیق:

عملیات در زمان، مکان و طریق غیرعقلانی از نظر دشمن، غافلگیری تولید می‌کند.

غافلگیری بر چهار پایه مهم استوار است: سرعت، تأمین، فریب، تنوع در تکنیک و تاکتیک.

(۱) **سرعت:** سرعت در بسیج نیرو و تجهیزات، سازمان‌دهی، طرح‌ریزی، حرکت و جابجایی، تصمیم‌گیری و ... از مشتقات سرعت است که سبب غافلگیر کردن دشمن می‌شود. آلمان قبل از جنگ جهانی دوم با آماده‌کردن پنهانی نیرو و تجهیزات، دنیا را غافلگیر کرد و وقتی فرانسه و دیگر همسایگان متوجه شدند، دیگر کاری از دستشان ساخته نبود و آلمان با چندین گروه، ارتش همسایگان خود را مورد حمله قرار داد و برخی کشورها را در کمتر از ۲۴ ساعت اشغال کرد.

در صحنه نبرد، ثانیه‌ها ارزشمند هستند و هر فرماندهی که سریع‌تر و زودتر تصمیم‌گیری کرده و مثلاً برای دسترسی به یک عارضه حساس، با سریع‌ترین وسیله اقدام نماید، پیروز میدان خواهد بود؛ پس برای کسب غافلگیری، سرعت در تمام زمینه‌ها مدنظر است.

(۲) **تأمین:** تأمین به‌عنوان اصل هفتم اصول جنگ، قبلاً توضیح داده شده و در اینجا به‌عنوان یکی از پایه‌های مهم غافلگیری مدنظر است و همچنان که در خواص اصول جنگ بیان شد که اصول جنگ بعضاً به همدیگر بستگی دارند، اصل غافلگیری به شدت به اصل تأمین وابسته است.

(۳) **فریب:** اگر ما بتوانیم ذهن دشمن را به منطقه‌ای غیر از منطقه عملیات برگردانیم، دشمن آمادگی لازم برای عکس‌العمل در مقابل آفند ما را نخواهد داشت؛ مثلاً در عملیات والفجر ۸ به خوبی توانستیم توجه دشمن را به سمت هورالعظیم برگردانده و او را از منطقه فاو غافل کنیم و دشمن تا دو روز بعد از عملیات، هنوز فکر می‌کرد که منطقه فاو به‌عنوان یک تک فریبده است.

فریب معمولاً با تک‌های فریبنده، تظاهر به تک، نمایش نیرو، فریب الکترونیکی، فعالیت‌های سنگین مهندسی، فعالیت اطلاعاتی آشکار، فعالیت سنگین توپخانه، شناسایی هوایی و غیره حاصل می‌گردد.

سون تزو می‌گوید: تمام فوت و فن و ریزه‌کاری هنر جنگ بر پایه فریب و اغفال دشمن استوار است؛ به همین دلیل هنگامی که شما قادر و توانا هستید، به ضعف و ناتوانی تظاهر کنید؛ وقتی که فعال هستید، خودتان را بی‌حال و فاقد تحرک وانمود کنید؛ وقتی که نزدیک دشمن هستید، کاری کنید که او شما را دور تصور کند و هنگامی که دور هستید، او شما را نزدیک بداند؛ با ریختن دانه، دشمن را به تله بکشید، تظاهر به بی‌نظمی و نابسامانی کنید و دفعتهاً او را با ضربه‌ای محکم بکوبید.

(۴) تنوع در تکنیک و تاکتیک: استفاده از روش‌ها و تاکتیک‌های بدیع در جنگ، یکی از پایه‌های مهم غافلگیری است. اگر ما بتوانیم در هر عملیات با تکنیک و تاکتیک جدیدی بر علیه دشمن وارد شویم، درصد موفقیت عملیات بیشتر می‌شود. یکی از عوامل مهم عدم موفقیت عملیات‌های بدر و کربلای چهار، استفاده از تاکتیک تکراری بود و موفقیت عملیات والفجر ۸ مرهون تاکتیک جدید، بدیع و خلاقانه استفاده از غواص در سطح وسیع بود (بیات، ۱۳۹۹: ۱۴۰).

استفاده از نیروها، سلاح‌ها و تجهیزات جدید و غیرمنتظره (ورود تیر و کمان، تفنگ، توپ، تانک و هواپیما برای اولین بار در جنگ) غافلگیری شدیدی در دشمن به وجود می‌آورد.

غافلگیری یکی از عواملی است که توان رزمی را به نفع غافلگیرکننده بر هم می‌زند و با غافلگیر کردن دشمن می‌توان کمبود نیروی انسانی و تجهیزات را جبران نمود. غافلگیری با شهامت و جسارت در طرح‌ریزی و اجرا به دست می‌آید و می‌توان با شجاعت، کاری را انجام داد که از دید دشمن یک امر محال باشد. در جنگ آینده، غافلگیر کردن دشمن یکی از عوامل مهم موفقیت در عملیات‌ها خواهد بود؛ چرا که رعایت اصل غافلگیری، کفه ترازوی توان رزم را به نفع غافلگیرکننده تغییر می‌دهد و به لحاظ برتری دشمن در عوامل فیزیکی، جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با رعایت اصول جنگ، عوامل غیر فیزیکی و عوامل مؤثر بر توان رزم و مخصوصاً رعایت اصل

غافلگیری، ضربات جبران‌ناپذیری بر پیکر دشمن وارد نماید.

سون تزو می‌گوید: من وقتی در نبردی پیروزی را به دست می‌آورم، در نبرد دیگر دوباره آن تاکتیک را بکار نخواهم بست؛ بلکه برای پاسخگویی به وضعیت جدید، روش و طرز عمل خود را تا بی‌نهایت تغییر خواهم داد. کسی که بتواند از راه تغییر دادن دائمی تاکتیک خود به اقتضای وضعیت دشمن، پیروزی را به دست آورد؛ شایسته است که عنوان سلطان جنگ به او داده شود (بیات، ۱۳۹۹: ۱۴۰).

از مسیرهای انحرافی پیشروی نمایند و دشمن را به طمع مزیت و منفعت گرفتار کنید. ارتش بر پایه به‌کارگیری اصل فریب، پی‌ریزی شده است. برای مزیت حرکت می‌کند و متناسب با سود متصور، تقسیم یا تمرکز انجام می‌دهد. بر این اساس، چون باد تند و سریع، چون جنگل باقی و پرشکوه، چون آتش مهاجم و تاراجگر، چون کوه بی‌حرکت و استوار، دستیابی به او دشوار چون ابر، حرکت او پرهیاهو و غرنده چون تندر است (سون تزو، ۱۳۹۹: ۵۳).

اهمیت پژوهش از اینجا معلوم می‌شود که پیامبر (ص) با نیرو و تجهیزات کم چگونه توانست بر دشمنی قوی‌تر پیروز گردد؟ البته تأثیر اتکا به سلاح ایمان و انگیزه شهادت نیروهای سپاه اسلام در جنگ‌ها را نباید فراموش کرد، ولی این‌ها کافی نبود و نیاز به اتخاذ تدابیر تاکتیکی و تکنیکی مناسب داشت تا بتواند با این کمبودها، به برتری مناسب، نسبت به نیروهای دشمن، دست پیدا کند که پیامبر اکرم (ص) برای رسیدن به این مهم، از اصل غافلگیری استفاده کردند.

پیامبر اکرم (ص):

محمد بن عبدالله نام کامل به عربی: أَبُوالْقَاسِمِ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِاللَّهِ بْنِ عَبْدِالمُطَّلِبِ بْنِ هَاشِمٍ؛ زاده حدود ۵۳ قبل از هجرت/۵۷۰ میلادی در مکه، درگذشته ۱۱ هجری قمری/۶۳۲ میلادی در مدینه بنیان‌گذار و پیامبر اسلام و به اعتقاد مسلمانان، آخرین پیامبر در سلسله پیامبران الهی و تحویل‌دهنده کتاب قرآن و تجدیدکننده آیین اصلی و تحریف‌نشده یکتاپرستی (دین

حنیف) است. او هم چنین به عنوان یک سیاست مدار، رئیس دولت، بازرگان، نظریه پرداز دینی، خطیب، قانون گذار، اصلاح گر، فرمانده جنگی و برای مسلمانان و پیروان برخی مذاهب، مأمور تعلیم فرمان های خدا به شمار می رود (سایت ویکی پدیا).

سیره نظامی:

در سیره نظامی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)، جنگ برای دفاع بود، نه تهاجم و کشورگشایی و ایشان دارای ویژگی های یک فرمانده کامل بود؛ و برای نشان دادن حقانیت اسلام نسبت به دشمنان با مدارا برخورد می کردند. غلبه بر نظام قبيله ای، برقراری عدالت اجتماعی و حفظ موجودیت جامعه مسلمانان از اهداف ایشان در جنگ بود (سایت ویکی پدیا).

غزوه:

غزوه به جنگی گفته می شود که شخص پیامبر (ص) در آن شرکت داشته است، خواه پیکار کرده باشد یا نه. بدر، احد و خندق از مهم ترین غزوه های پیامبر (ص) است. درباره شمار غزوات میان تاریخ نگاران اختلاف است؛ برخی ۲۶ و برخی دیگر ۲۷ غزوه ذکر کرده اند (سایت ویکی پدیا).

فرماندهی:

فردی است نظامی که با توجه به اختیاراتی که به او از رده های بالاتر تفویض شده است، به نیروهای تحت امر خود اعمال فرماندهی می کند (قریشی، ۱۳۹۸: ۱۹).

تعریف اصل غافلگیری:

غافلگیری در لغت حالتی است که در اثر حمله بی خبر شخصی به شخص دیگر یا دیده شدن شخصی در حال انجام عملی غیرمنتظره به وجود می آید و در اصطلاح نظامی عبارت است از:

غافلگیری یعنی اجرای عملیات در زمان و مکان و طریقی که برای دشمن غیرمنتظره بوده، به طوری که برای مقابله، پیش بینی های لازم را به عمل نیاورده و فرصت عکس العمل را

نداشته باشد و فریب عبارت است از فعالیت‌هایی که به منظور گمراه‌ساختن دشمن از قصد و نیت خودی بکار می‌رود (بیات، ۱۳۹۹: ۱۳۸).

یا به تعبیر دیگر:

وارد ساختن ضربت به دشمن در زمان، مکان و حالتی که انتظار و آمادگی پذیرش و واکنش لازم علیه آن را نداشته باشد. جان کالینز (تئوریسین آمریکایی - ۱۹۲۰ میلادی) در توضیح اصل غافلگیری به یک نکته مهم اشاره کرده و می‌گوید: لزومی ندارد که دشمن کاملاً از عملیات محتمل الوقوع بی‌خبر باشد، تنها ضروری است که او دیرتر از آنکه بتواند واکنش مؤثری نشان دهد، به اهمیت قضیه پی‌برد و آگاه شود. در اجرای این اصل باید فضا و زمان را از دشمن سلب کرد، یعنی نه فضا برای گسترش و جابه‌جایی و تغییر حالت در اختیار داشته باشد و نه زمان برای اجرای اعمال مذکور ... (کالینز، ۱۳۷۷: ۲۸۲).

سون تزو طراح شیوه‌های ماندنی نبرد در چین باستان، استفاده از اصل غافلگیری را به عنوان اساسی‌ترین شیوه‌های یک حمله پیروزی‌آفرین توصیه کرده و می‌گوید: با حمله‌های ناگهانی، دشمن را در جاهایی که آماده نیست، غافلگیر و با گروه‌های ضربت به وی هجوم برید ... سرعت و چالاکتی، جوهره جنگ است. از فقدان آمادگی دشمن استفاده کنید و مسیرهای پیش‌بینی نشده را برگزینید و در جایی که برای خود مصونیت ایجاد نکرده است او را بکوبید (بیات، ۱۳۹۹: ۱۴۲).

اعتقاد ایرانیان باستان به اصل غافلگیری را می‌توان در بخش‌هایی از کتاب مفقود شده «آیین‌نامه» که در عیون الاخبار دینوری آمده مشاهده کرد:

... و هنگامی که دشمن در فکر دفاع از خود نیست و جاسوسانی نمی‌فرستد و وقتی در قسمت‌های مقدم دشمن، بی‌مبالاتی و غفلت مشاهده می‌شود و دشمنان، چارپایان خود را به چراگاه‌ها رها کرده‌اند؛ باید از کمین‌گاه بیرون آمده و به چند دسته تقسیم شد و در زمستان در سردترین و در تابستان در گرم‌ترین موقع بیرون آمد؛ و برای حمله به دشمن

شتافت.

جان کالینز در اهمیت این اصل می گوید:

غافلگیری چنانچه با ترکیب‌های مختلفی از پنهان‌کاری، سرعت، فریب، منحصربه‌فرد بودن و جسارت تقویت گردد، می‌تواند تعادل قدرت را قاطعانه جابه‌جا کند و راه دستیابی به پیروزی را با تلاشی بسیار کمتر از حد تصور هموار نماید. البته باید تدابیری اندیشید که نیروهای خودی قبل از انجام عملیات دچار خسارت و زیان نشوند (کالینز، ۱۳۷۷: ۲۸۲).

از سخنان جان کالینز معلوم می‌شود که جهت اجرای صحیح اصل غافلگیری، باید اقداماتی صورت گیرد که اول خود نیروها غافلگیر نشوند که آن را اصل تأمین گویند. حالا بینیم پیامبر (ص) در این خصوص چه تدبیری داشته‌اند. در بررسی جنگ‌های پیامبر اسلام با دشمن، به روشنی به دست می‌آید که آن حضرت در سپاه خود، افراد ورزیده‌ای به نام «عیون» داشتند که با تاکتیک‌های خاصی به درون دشمن می‌رفتند و به روش‌های گوناگون، اطلاعات لازم را به دست می‌آوردند و پیامبر (ص) براساس آن اطلاعات، لشکر خود را هماهنگ می‌کرد و اقدامات لازم را برای پیش‌دستی و جلوگیری از غافلگیر شدن انجام می‌داد؛ و این اطلاعات، نقش موثری در حفظ توان نظامی مسلمانان داشت.

و هرگاه این وظیفه را به خوبی انجام می‌دادند، پاداش ارزشمندی به آن‌ها عنایت می‌کردند. امام علی (ع) ضمن یک دستورالعمل نظامی، به اهمیت این موضوع اشاره کرده، می‌فرماید: «اجعلوا لكم رقبا فی صیاصی الجبال ... و اعلموا ان مقدمه القوم عیونهم» مراقبان، نگهبانان و خبرگیرانی در قلعه‌ها کوه‌ها قرار دهید ... و بدانید آن‌ها که در پیشاپیش سپاه حرکت می‌کنند، چشمان لشکرند مأمور اطلاعات‌اند (دستی، ۱۳۷۹: نامه شماره ۱۱).

اهداف غافلگیری:

با توجه به آفندی بودن اصل غافلگیری، می‌توان هدف کلی آن را پیروزی سریع و فتح آسان‌تر مواضع مورد نظر دانست. البته تحقق اهداف کوچک‌تر به عنوان زمینه‌ساز آن هدف

کلی ضروری است (تعریف مختصری از آفند عبارت است از هرگونه حرکت و جابجایی در میدان نبرد که به سمت دشمن باشد، برای از بین بردن عده و غده دشمن و نیز از بین بردن میل جنگجویی در او).

الف) برهم زدن تعادل روحی دشمنان:

حالت غافلگیری، ضربه‌ای سخت به قوای روحی - روانی وارد کرده یا دست‌کم، زمینه اختلال روحی را به‌طور موقت فراهم می‌سازد. ما این مطلب را در مسائل عادی تجربه کرده‌ایم.

ب) ایجاد ناهماهنگی و آشفتگی سازمانی:

عدم تعادل روحی، خود نابسامانی و ناهماهنگی تشکیلاتی را به دنبال خواهد داشت، زیرا افراد یا واحدهای غافلگیرشده چنین مجموعه‌ای برآند تا خود را به‌صورت انفرادی و بدون هماهنگی با سایر واحدها و افراد، تصمیمی اتخاذ کرده، شیوه‌ای در پیش گیرند تا خود را از این وضعیت نجات دهند.

ج) بازداشتن دشمن از انجام واکنش مناسب:

یگان غافلگیرشده در صحنه نبرد، به دلیل قرار گرفتن در وضعیت بحران ناگهانی، منفعل شده یا اصلاً فرصت ابراز واکنش جهت مقابله با این وضعیت را پیدا نمی‌کند و یا اگر فرصت این کار را به دست آورد، قادر به انجام عکس‌العمل و دادن پاسخی به موقع و مناسب و درخور عملیات غافلگیرانه نیست.

د) جبران کمبود نیرو و امکانات:

استفاده از اصل غافلگیری، به‌ویژه زمانی که از لحاظ نیرو و امکانات دچار ضعف یا محدودیت هستیم، عامل مثبت و راهگشا است و می‌توان با این کار، تعادل قدرت را به نفع خود بر هم زد.

ه) به دست گرفتن ابتکار عمل:

اهداف چهارگانه فوق، زمینه تحقق هدف دیگری را فراهم می‌سازند و آن در

دست گرفتن ابتکار عمل در صحنه نبرد است. با تحقق این هدف، قادریم تا اراده خود را بر دشمن تحمیل نماییم و از دشمن جز حرکات انفعالی بی فایده کاری ساخته نیست (سلیمی، ۱۳۹۱: ۱۴۳).

کامل ترین و موفق ترین شکل غافلگیری، ترکیب انواع آن است؛ به گونه ای که دشمن، هم زمان از چند جهت غافلگیر گردد.

شرایط و تدابیر پیامبر (ص) برای پیشبرد جنگ:

الف) اهمیت تدبیر در زمان و مکان و استفاده بهینه از حداقل امکانات:

بررسی تمام نبردهایی که لشکر اسلام در همه جبهه ها انجام دادند، ثابت می کند که نیرو و امکانات و امدادسانی زیاد علت کافی در تحقق پیروزی نبوده است. در حقیقت سازمان دهی این امکانات و به کارگیری خوب آن ها در زمان و مکان مناسب، هر چند که این امکانات کم بوده و یا حتی نبوده، از آشکارترین عوامل پیروزی محسوب می شده است. از این رو، سپاه اسلام توانست بر یهود که قوی ترین امکانات را در اختیار داشتند و همین طور بر روم که از انواع گوناگون امکانات برخوردار بودند و نیز قبایل عرب دشمن، که هزاران رأس گوسفند، قاطر، شتر و اسب داشتند به پیروزی دست یابد (اشتهاری، ۱۳۸۲: ۱۱۷).

ب) اهمیت آموزش مناسب و نیروی کارآموده:

نقش پیامبر (ص) برای پرورش نیروی نظامی، هنگام وجوب جهاد آغاز شد. در این هنگام به سازمان دهی و فراهم ساختن لشکر و آموزش آنان به دنبال غزوه ها و سرایایی^۱ که اهداف سیاسی و نظامی را محقق نمود، همت گماشت؛ زیرا در این راه برای ثبات حکومت و گسترش دعوت اسلام چاره ای جز آن نداشت و آمال و آرزوهای مجاهدان و تجهیز آنان برای اقدام مشترک در سایه فرماندهی یگانه برآورده می ساخت و بر هیبت و ابهت مسلمانان در میان دشمنان می افزود. فرماندهی کل برای آماده ساختن لشکر و آموزش فنون جنگی به

^۱ سرایا: ج سربه، جنگ هایی که در زمان پیامبر (ص) اتفاق افتاد، ولی ایشان در آن حضور نداشتند.

آنان همواره کوشید تا آنکه به آمادگی جنگی تسلط کامل برتری و توان برای رویارویی با دشمنان و یاری هم‌پیمانان خود دست یافت (اشتھاری، ۱۳۸۲: ۱۱۸).

ج) اهمیت مشورت و استفاده از تجربیات:

پیامبر (ص) خود یک نابغه جنگی بود، اما همیشه سعی می‌کرد به نیروها شخصیت داده و در امور از نظریات آن‌ها بهره‌گیرد و در کارها مشارکت نمایند. انواع شیوه‌ها و روش‌های جنگی که رسول خدا (ص) در غزوات خود مورد استفاده قرار می‌داد، همراه با مشورت بوده است؛ مانند به کارگیری صف در جنگ بدر و احد؛ حفر خندق در جنگ احزاب؛ شیوه غافل‌گیری و جنگ روانی در غزوه فتح مکه و محاصره در جنگ قلعه‌ها و بسیج اطلاعات و تعیین هدف، یورش ناگهانی و سریع، سرعت مانور، تأمین کامل امور جنگی که اصول آن در جنگ‌های جدید نیز به کار گرفته می‌شود، اثر زیادی در پیروزی بر دشمن داشته و در بیشتر جنگ‌های لشکر اسلام، شنیدن آوازه قدرت و صلاحیت برای لشکر، پیروزی می‌آفرید (هیکل، ۱۳۷۶: ۱۵۵).

د) اهمیت خلاقیت و نوآوری و استفاده از تاکتیک‌های ناشناخته:

شیوه مدیریتی پیامبر (ص) در جنگ‌ها بیشتر خلاقانه و نوآورانه بود. پیامبر (ص) هیچ‌گاه به شیوه قدیمی و سنتی اعراب که همان شیوه کر و فر^۱ بود، فکر نمی‌کرد. سعی می‌کرد از شیوه‌ای جدید استفاده کند و اساساً شیوه‌هایی را که ایشان در غزوات به کار برده است، در جزیره‌العرب سابقه چندانی نداشته است. لذا وقتی دشمنان با شیوه‌های بدیع و جدید آن حضرت مواجه می‌شدند، در بهت و حیرت و سرگردانی به سر می‌بردند و بی‌محابا تن به شکست می‌دادند (آنه ماری، ۱۳۸۰: ۲۸۸).

س) اهمیت نیروی اعتقادی و بالا بردن سطح معنوی نیروها:

نیروی معنوی سپاه اسلام در جنگ‌ها، یکی از عوامل پیروزی بر دشمن محسوب می‌شد.

^۱ کر و فر: روش جنگ‌وگریز - حمله و فرار

در طول جنگ در جبهه‌های مختلف، بیشتر جنگ‌ها معمولاً نابرابر بوده است. سپاه کفر از نظر تعداد نفراتشان، خیلی بیشتر از تعداد نفرات نیروهای اسلام بوده‌اند و از نظر ابزار و وسایل و ادوات جنگی نیز آن‌ها مجهزتر بوده‌اند؛ ولی نیروهای اسلام یک چیز را در اختیار داشتند که دشمنان فاقد آن بوده‌اند و آن ایمان به خدا و نیروی معنوی بوده است که نمونه آن را در ۸ سال دفاع مقدس مشاهده کردیم. بنابراین ایمان و اعتقاد راسخ و معنویت در جبهه‌های جنگ در هر عصر و زمانی حرف اول را می‌زند و غفلت از این عامل مهم، شکست قطعی را به دنبال خواهد داشت (الکندی، ۱۳۶۸: ۱۰۸).

نمونه‌هایی از قبیل موارد ذکر شده فراوان می‌توان در سیره نظامی ایشان یافت؛ اما از آنجایی که پیامبر (ص) به اصل غافلگیری توجه ویژه‌ای داشتند و در جنگ‌ها از آن بهره بردند، لذا سعی بر آن شده که بیشتر موضوع به این اصل اختصاص یابد.

انواع غافلگیری عبارتند از:

لازم به یادآوری است انواع غافلگیری که نام برده می‌شود، امروزه جزء اصول و ملاحظات غافلگیری است و پیامبر (ص) در آن زمان با دقت کامل آن را اجرا می‌نمودند؛ پس برای شناخت شخصیت عظیم ایشان در به‌کارگیری از این حرب‌های بی‌نظیر، انواع غافلگیری به همراه مثال خدمتتان ارائه می‌شود.

غافلگیری در زمان:

غافلگیری در زمان به این معناست که دشمن را در زمانی مورد تهاجم قرار دهیم که احتمال آن را نمی‌دهد یا دست‌کم چنین تهاجمی را در این زمان ضعیف می‌پندارد و یا اساساً غیرممکن می‌داند. در حقیقت در این نوع از غافلگیری، «زمان شروع تهاجم» عامل اساسی غافلگیری است. جنگ بنی‌قریظه نمونه‌ای از غافلگیری در زمان است؛ چرا که یهودیان بنی‌قریظه هرگز احتمال نمی‌دادند که نیروهای اسلام، به دلیل خستگی زیاد و شرایط جوی نامناسب و سردی هوا بلافاصله پس از پایان جنگ احزاب، آن‌ها را مورد تهاجم قرار دهند و از لحاظ زمان غافلگیر کنند.

در جنگ تحمیلی، فاصله ۴۰ روزه بین عملیات فتح‌المبین تا بیت‌المقدس که نسبت به عملیات قبل (طریق‌القدس تا فتح‌المبین) تقریباً به ثلث کاهش یافته بود، از نمونه‌های غافلگیری در زمان است (فرهادیان، ۱۳۹۰: ۸۸).

غافلگیری در مکان:

غافلگیری در مکان، در اثر تهاجم به نقطه‌ای از مواضع دشمن که احتمال یا امکان وقوع آن را نمی‌دهد، به وجود می‌آید. معمولاً این نقاط برای دشمن جنبه حیاتی دارد، اما به دلیل غفلت یا سوءتدبیر خود دشمن یا فریب و تظاهر به عملیات در مکانی دیگر، توسط نیروهای خودی و یا دلایل دیگر، برای او این مکان را کم‌اهمیت یا بی‌اهمیت جلوه می‌نماییم.

در پیکار خیبر، پیامبر اکرم (ص) برای آنکه احتمال حمله به منطقه خیبر را از ذهن یهودیان بیرون سازد، ابتدا به سوی منطقه رجیع حرکت نمود و در فرصتی مناسب، عمده قوای خویش را به سرعت به سوی خیبر حرکت داد و شبانه قلعه‌های آن‌ها را محاصره کرد تا جایی که صبح روز بعد، یهودیانی که از قلعه خارج شدند با دیدن مسلمانان بسیار تعجب کردند.

در جریان دفاع مقدس ایران نیز، پس از انجام عملیات‌های خیبر و بدر در منطقه هور و شرق بصره، توجه دشمن به دلیل حساس و حیاتی بودن آن، به این منطقه جلب شد که نبرد بعدی رزمندگان اسلام در این منطقه خواهد بود، تا جایی که بخشی از توپخانه خود را از منطقه فاو به هور منتقل کرد. اما انجام عملیات والفجر ۸ در منطقه فاو، دشمن را از لحاظ منطقه نبرد کاملاً غافلگیر نمود (نوروزی، ۱۳۸۵: ۲۱۲).

غافلگیری در طرح‌ریزی و تاکتیک:

اگر طرح‌ریزی و شیوه‌های اجرای یک عملیات برای دشمن غیرمنتظره باشد، به این معنا که با وجود اطلاعات و اندوخته‌های نظامی‌اش و مقدرات و امکانات و سطح دانش نظامی نیروهای خودی احتمال آن را نداده یا غیرعملی بیندارد، به این نوع از غافلگیری دست

یافته ایم.

ابتکار حفر خندق در نبرد احزاب به پیشنهاد جناب سلمان و اجرای موفقیت آمیز آن به دلیل بی سابقه بودن اتخاذ این روش در جزیره العرب، از نمونه های بارز این نوع غافلگیری است.

عبور از منطقه رملی در محور شمالی عملیات طریق القدس، عبور از رودخانه کارون در عملیات بیت المقدس و تهاجم از شرق به غرب در جناح دشمن برخلاف تصور طراحان جنگی عراق، طرح و اجرای عبور از رودخانه خروشان اروند در فتح فو، نمونه هایی از غافلگیری در طرح ریزی و تاکتیک جنگ های معاصر است (آیت الهی، ۱۳۹۰: ۴۴).

غافلگیری در تکنیک:

گاهی پیشرفت تکنیکی و ساخت و به کارگیری ابزار و سلاح های ابتکاری که دشمن چگونگی استفاده و مقابله با آن را نمی داند، او را غافلگیر می سازد. استفاده پیامبر اکرم (ص) از منجنیق جهت در هم شکستن مقاومت محاصره شدگان در جنگ طائف را که در میان اعراب بی سابقه بود، می توان از نمونه های غافلگیری تکنیکی در جنگ های آن حضرت برشمرد. اختراع و به کارگیری سلاح ضد بشری هسته ای در جنگ جهانی دوم، شدیدترین حالت غافلگیری را ایجاد کرد. چرا که این سلاح از لحاظ قدرت تخریبی و کشتار جمعی برای تمامی طرف های درگیر کاملاً ناشناخته بود و راهی جهت مقابله با آن وجود نداشت (آینه وند، ۱۳۸۹: ۹۸).

نمونه هایی از اجرای اصل غافلگیری توسط پیامبر اکرم (ص)

فتح مکه (تقسیم توان دشمن و رعایت اصول حفاظتی):

یکی از مهم ترین جاهایی که در سیره نظامی رسول خدا (ص)، تاریخ شاهد رعایت اصل غافلگیری توسط پیامبر بوده است، فتح مکه است. فتح مکه و پاک سازی سرزمین وحی از مشرکین و خانه خدا از بت ها، با کمترین تلفات نظامی صورت پذیرفت. رمز اینکه پیامبر (ص) موفق به چنین فتح بزرگی می شود، بدون اینکه تلفات چشم گیری داشته باشد، رعایت

اصل غافلگیری است. پیامبر (ص) در دو حیطة قریش را غافلگیر کرد: نخست، اجازه نداد قریش از مقصد نهایی او با خبر شود و در مرحله دوم با تقسیم سپاه و ورود آنان از راه‌های گوناگون، قریش را در عمل انجام‌شده‌ای قرار داد و این اجازه را به آنان نداد که توانشان را در یک مکان متمرکز بکنند تا با یک سپاه بجنگند. آنان با مشاهده ورود سپاه از راه‌های گوناگون، در موضع انفعالی قرار گرفتند و تسلیم پیامبر شدند (ضاهر، ۱۳۷۱: ۳۱۵).

اصل غافلگیری در جنگ ذات السلاسل:

(تفسیر سوره عادیات پیرامون پیروزی علی (ع)) (استفاده از تاریکی شب)

شورشیان (سلاسل) قلّه‌ها را گرفته و راه‌ها را ناامن کرده بودند و به کاروان‌ها یورش می‌آوردند. پیامبر صلی‌الله علیه و آله، ابتدا خلیفه اوّل را با ۷۰۰ نفر اعزام کرد، اما موفق نبود و تعدادی کشته داد و فرار کرد؛ بار دیگر خلیفه دوم با تعدادی از سربازان رفتند و شکست خوردند، عمرو عاص گفت: یا رسول‌الله، جنگ با حیل و نیرنگ توأم است، مرا بفرست تا پیروز برگردم. رسول خدا صلی‌الله علیه و آله به او فرماندهی داد، اما او نیز شکست خورد (تنها علی است که در برابر دشمن فرار نمی‌کند). سرانجام پیامبر صلی‌الله علیه و آله فرمود: علی علیه‌السلام با تاکتیک‌های نظامی حساب‌شده‌ای به جنگ شورشیان (سلاسل) رفت. شب‌ها راه می‌رفت و روزها پنهان می‌شد که خلیفه دوم و خالد بن ولید بارها اعتراض کردند و گفتند: که این جوان ما را در میان مار و عقرب بیابان به کشتن می‌دهد؛ و در طول راه، عمرو عاص و خلیفه اوّل نیز اعتراض کردند، اما حضرت امیرالمومنین علیه‌السلام توجهی نکرد تا آنکه شب هنگام نزدیک منطقه شورشیان رسید، دستور داد با استفاده از تاریکی شب، اطراف قلّه را تصرف کنند و آن‌ها را در محاصره بگیرند، صبح که هوا روشن شد، صدای تکبیر دلاوران و شیهه اسبان همه را وحشت‌زده بیدار کرد و شورشیان فهمیدند که محاصره شدند. در آغاز، امام علی علیه‌السلام به آن‌ها پیشنهاد صلح داد، نپذیرفتند و گفتند: تو هم مانند آن سه نفر شکست می‌خوری. جنگ آغاز شد، اما شورشیان دیگر راه گریز نداشتند، تپه‌ها و قلّه‌ها در دست سپاهیان اسلام بود، امّ سلمه می‌گوید: رسول خدا در منزل من

خوابیده بود که ناگهان بیدار شد. گفتم: یا رسول الله شما را چه می شود؟ فرمود: جبرئیل نازل شد و خیر پیروزی علی علیه السلام را آورد؛ و آنگاه سوره (عادیات) نازل شد. وَالْعَادِيَاتِ ضَبْحًا (سوگند به اسب هایی که نفس هایشان به شمار افتاد.) (ابن هشام، ۱۳۶۸: ۵۷).

گرفتن مشورت از یاران:

پیامبر (ص) گرچه خود یک نابغه نظامی بود، ولی در کارها با نیروها مشورت می کرد و از آن ها نظر می خواست. به نمونه هایی از آن دقت کنید:

الف- پیامبر (ص) در جنگ احد نیز در این باره که در داخل مدینه با دشمن بجنگد یا بیرون، نظر اصحاب را جویا شد و با آنکه خود و بزرگان مهاجر و انصار جنگیدن در داخل مدینه را ترجیح می دادند، اصرار جوانان که در جنگ بدر شرکت نکرده بودند؛ حضرت را به پذیرش نظر آنان مبنی بر جنگیدن در بیرون مدینه مجاب کرد.

ب- رسول خدا (ص) در غزوه احزاب نیز درباره بیرون رفتن از مدینه یا ماندن در آن با اصحاب مشورت کرد که پیشنهاد سلمان فارسی برای ماندن در مدینه و حفر خندق پیرامون آن را پذیرفت. در همین جنگ، آن حضرت با سعد بن معاذ و سعد بن عُبَّاده، سروران اوس و خزرج، درباره دادن یک سوم میوه های مدینه به عُبَيْثَةَ بِنِ حِصْنِ فَرَارِي و حَارِثَةُ بِنِ عَوْفِ مَرْي، سروران غَطَفَان، برای دست برداشتن از جنگ با مسلمانان مشورت کرد و رأی آنان را که مخالف این پیشنهاد بودند، پذیرفت.

ج- رسول خدا (ص) افزون بر مشورت با اصحاب، از پیشنهاد های مفید برخی که دارای شم نظامی بودند، استقبال می کرد. در جنگ بدر، حُبَابُ بِنِ مُنْزِرِ درباره محل استقرار سپاه اسلام پرسید: ای رسول خدا، آیا خدا فرموده که در اینجا منزل کنیم و پیش و پس نرویم، یا از نظر تدبیر و جنگ هر جا که شایسته است، می توان فرود آمد؟ رسول خدا فرمود: «نه، امری در کار نیست، باید طبق تدبیر و سیاست

جنگ رفتار کرد». حُباب گفت: اگر چنین است، اینجا جای مناسبی نیست، بفرما تا سپاه اسلام پیش روند و در کنار نزدیک‌ترین چاه به دشمن فرود آییم و آنگاه چاه‌های دیگر را از بین ببریم و بر سر چاهی که فرود آمده‌ایم، حوضی بسازیم و پر از آب کنیم و سپس با دشمن بجنگیم و دستشان را از آب کوتاه کنیم. رسول خدا پیشنهاد وی را پذیرفت و دستور داد تا سپاه اسلام چنین کنند (سبحانی، ۱۳۷۳: ۳۴).

اصول و ملاحظات اساسی جهت اجرای اصل غافلگیری به کار رفته توسط پیامبر (ص)

پیامبر (ص) در هیچ جنگی غافلگیر نشد و تقریباً در اکثر جنگ‌ها از روش غافلگیری نهایت بهره را برد و برای اینکه طرح غافلگیری را که مفیدترین و کم ضررترین طرح‌ها است، با کمترین کشته و مخارج و به نحو احسن به مرحله اجرا درآورد، اقدامات زیر را به زیباترین شکل انجام می‌داد.

الف) خودداری از افشای اسرا:

شاید جاسوسان دشمن و ستون پنجم در هیچ دستگاهی به اندازه دستگاه خلافت رسول اکرم (ص)، بی بهره و محروم نبوده‌اند. پیامبر (ص) که ملقب به امام‌الرحمه هستند، در مورد جاسوسان دشمن مصداق آیه مبارکه (اشدا علی الکفار) بودند و حتی بعضی از مواقع تصمیمات سختی برای جاسوسان در نظر می‌گرفتند و حکم اعدام صادر می‌کردند. حتی نزدیک‌ترین و هم‌راز و محبوب‌ترین یاران پیامبر (ص) مطلع نبود که چه وقت و به کجا، پیامبر (ص) حمله خواهد نمود.

نمونه:

در غزوه بنی لحيان، پیامبر (ص) بطرف شام حرکت می‌کند تا قریش و بنی لحيان از قصد او آگاه نشوند و بعد در بین راه به سرعت تغییر مسیر می‌دهد و حمله می‌کند. حمله غافلگیرانه که از اهم تاکتیک‌های پیامبر (ص) بود با مقدمات و حساب‌های دقیقی که لازمه این نوع حمله است، صورت می‌گیرد؛ لذا پیامبر (ص) کمبود نیروی خود را در قبال کثرت نیروی دشمن به این نحو جبران می‌نمود (تیموری، ۱۳۶۹: ۱۲۸).

ب) سرعت در حمله:

سرعت در کار، در حرکت، در بسیج، در تصمیم گیری، اغتنام از فرصت‌ها، اخذ تصمیمات قاطع بدون منتظر گذاشتن و سرگردان کردن سپاه از صفات بارز پیامبر (ص) بود.

نمونه:

در واقعه بنی قریظه، هنوز یهودیان از شکسته شدن محاصره مدینه بوسیله کفار قریش و بازگشت آن‌ها مطلع نشده که پیامبر سریع آن‌ها را محاصره می‌کند و به آن‌ها مجال نمی‌دهد تا از هم قسمان و متحدین خود کمک بطلبند و آنان را ناگزیر می‌کند در قلعه‌هاشان محصور شوند. مسلماً اگر یهود زمان پیدا می‌کرد و اندکی وقفه ایجاد می‌شد؛ کفار یا به مسلمانان حمله می‌کردند و یا چاره‌ای پیدا می‌کردند و امکان شکست آن‌ها مشکل و غیرممکن می‌گشت (طاهرنیا، ۱۳۷۷: ۵۵).

پ) شناسایی کامل دشمن:

پیامبر (ص)، قبل از هر حمله اطلاعات دقیق و کامل را از دشمن کسب می‌کرد و از تمام امکانات و قدرت دشمن و اهداف و منظور آنان آگاه می‌شد؛ لذا برای این کار اولاً جاسوسانی بودند که همواره تازه‌ترین خبر دشمن را در همه زمینه‌ها به پیامبر می‌رساندند. ثانیاً «قبل از جنگ»، خبریاب‌ها در جلوی سپاه به صورت دو یا سه نفری پیش رفته و وضعیت دشمن را لحظه به لحظه به مرکز فرماندهی گزارش می‌دادند.

نمونه: شناخت سپاه اسلام از دشمن به قدری دقیق بود که به عنوان نمونه در فتح خیبر می‌دانستند انبار آذوقه دشمن در کدام قلعه و در چه قسمتی از آن قلعه قرار دارد (الکندی، ۱۳۶۸: ۲۲۸).

ت) فرماندهی:

پیامبر (ص) صرف‌نظر از پیامبر بودنش، بهترین فرمانده هم بود و تبعیت و اطاعت مسلمانان از او هم به واسطه پیامبر بودن و هم به واسطه بهترین فرمانده بودن او بود.

پیامبر (ص) در ۱۰ سال، ۷۲ جنگ را مدیریت می‌کند که ۲۸ جنگ آن به فرماندهی خود

اوست (به‌طور متوسط ۹ جنگ در هر سال)، بدون اینکه سربازان خسته شوند و اظهار دل‌تنگی نمایند و یا اعتمادشان اندکی به فلسفه جهاد کاهش یابد؛ و این از رموز فرماندهی عالی پیامبر (ص) بود.

از رموز دیگر فرماندهی پیامبر (ص)، شناخت درست افراد خود بود و آگاهی و آشنایی صحیح شخصیت و روحیه و حساسیت‌های سربازان و نیز به کار گماردن هرکس در جای خودش و استفاده از هر شخصیت برای منصب و مأموریت مشخص؛ مثلاً در صلح حدیبیه که برای مسلمانان منافع فراوان در برداشت، عثمان را به مکه می‌فرستد. حسابگری پیامبر در این انتخاب آن‌چنان بود که مکین عثمان را با استقبال وارد مکه می‌کنند (الکندی، ۱۳۶۸: ۲۲۸).

ث) ایمان و ایدئولوژی:

معیارهایی که تاکنون در پیشبرد اهداف پیامبر اسلام (ص) در جنگ‌ها بر شمردیم، هر یک پایگاه محکمی در موفقیت مسلمین در کلیه جنگ‌ها داشت؛ اما نقش ایمان شاید از هر یک از معیارها در سرنوشت جنگ، تأثیرگذارتر بوده است.

ج) تسلیحات:

پیامبر (ص) از سلاح به‌عنوان یک عامل فیزیکی نهایت بهره را می‌گرفت، بدون اینکه آن را عامل اساسی و کلید پیروزی بدانند. او برای سلاح و جنگ‌افزار، بعد از سلاح ایمان اهمیت فراوان قائل بود و بدان تشبث می‌جست.

نمونه: قبل از جنگ حنین، پیامبر (ص) می‌شنود که در شهری بنام «جرش» سلاحی ساخته‌اند که مسلمانان ندارند. پیامبر عروه بن مسعود و غیلان بن سلمه را مأموریت می‌دهد و به شهر جرش می‌فرستد و به این دو نفر می‌گوید می‌روید به شهر جرش و «فن ساختن» این سلاح را می‌آموزید و می‌آیید تا ما خود بسازیم مانندش را؛ و چنین استدلال می‌کند تا اگر دشمن به ما حمله کرد، به لحاظ فقدان این سلاح ضربه نخوریم (آینه‌وند، ۱۳۸۹: ۱۰۸).

چ) شناخت خصوصیات زمین نبرد:

شناخت خصوصیات زمین نبرد و زمین‌های مرتبط با آن، از اصول اولیه پیروزی در جنگ‌ها است و در بسیاری از عملیات‌های جنگی، عاملی تعیین‌کننده و سرنوشت‌ساز است. با نگاهی به جنگ‌های پیامبر اکرم (ص)، امیرالمؤمنین (ع) و سایر ائمه (ع) روشن می‌شود که ایشان نیز به خصوصیات زمین نبرد توجه کامل داشته و از عوارض طبیعی و مصنوعی آن برای پیروزی بر دشمن استفاده می‌کرده‌اند که به نمونه‌ای از آن‌ها اشاره می‌شود:

نمونه‌ها:

در جنگ خندق، رسول خدا (ص) ابتدا عوارض طبیعی و مصنوعی شهر مدینه را شناسایی کرد و از عوارض زمین مانند باغستان‌ها، کوه‌ها، منازل و ... به بهترین وجه استفاده کرد؛ به نحوی که نفوذ نیروهای دشمن فقط از یک سو میسر بود که حضرت دستور داد خندق حفر شود و بدین طریق راه نفوذ و ورود دشمن را کاملاً مسدود نمود. هنگامی که دشمن خود را با موانع طبیعی و مصنوعی بسیاری مواجه دید، ناگزیر پشت خندق اردو زد و مدتی معطل ماند تا سرانجام با شکستی غیر قابل تصور بازگشت (فیض‌پور، ۱۳۷۹: ۱۸۳).

ح) دید و تیر:

هدف از بررسی دید و تیر و عوامل مؤثر در آن عبارت است از:

- ۱- بالابردن کیفیت دید و تیر نیروهای خودی
 - ۲- کم کردن و یا از بین بردن کامل دید و تیر دشمن
- برای بالابردن کیفیت دید و تیر نیروهای خودی و کم کردن و یا از بین بردن کامل دید و تیر دشمن، نوع زمین‌ها و مواضع بلند برای استقرار نیروها استفاده می‌شد که در ادامه نمونه‌های آن ذکر می‌شود:

- ۱- رسول خدا (ص) در غزوه احد، نیروهای رزمی خویش را در دامنه کوه احد آرایش داد. زمین عملیات در جنگ احد دارای شیبی بود که نیروهای خودی را بر دشمن تسلط می‌بخشید. همین مسأله، دید و تیر نیروهای مسلمان را بالا می‌برد.

۲- حضرت علی (ع) در جنگ صفین، در نامه‌ای به فرماندهان خود سفارش می‌کند که مرکز تجمع نیروها را بالای (قله‌ها) و یا دامنه کوه‌ها قرار دهند؛ زیرا استقرار در این مواضع ضمن تسلط بر دشمن، به دید و تیر خودی کمک شایانی می‌کند (آیت‌اللهی، ۱۳۷۹: ۱۲۰).

خ) استفاده از تاریکی و انجام حرکات نظامی دور از چشم دشمن:

استفاده از تاریکی و انجام حرکات نظامی دور از چشم دشمن، نقش مؤثری در پیروزی بر دشمن دارد. تاریکی شب، زمان مناسبی برای این منظور است؛ اما چون در شب دید بسیار کم می‌شود و حرکت به‌کندی صورت می‌گیرد، لذا بین‌الطلوعین که هوا به‌اصطلاح گرگ و میش است، بهترین زمان برای حرکت نیروها و حمله است (البته زمان غروب هم که چنین حالتی دارد، نیز مناسب است). در این زمان، نیروهای خودی تا حدودی دید کافی برای نقل و انتقالات و دیدن اطراف خود را دارند و در عین حال، دشمن دید کافی نسبت به آن‌ها ندارد. پیامبر (ص) برای جابه‌جایی نیروها و بردن آن‌ها به مکانی امن از تاریکی شب استفاده می‌کردند و همچنین برای در امان ماندن از گرما؛ از خنکی شب استفاده می‌کرد. این روش‌ها را امام علی (ع) از پیامبر تبعیت می‌کردند.

نمونه:

حضرت امیر (ع) در نبرد ذات السلاسل صبر کرد تا سپیده دمید. پس از به جای آوردن نماز صبح، وقتی که هوا به گرگ و میش درآمد، دستور حمله را صادر فرمود. سربازان بر دشمن یورش بردند و با غافلگیر ساختن دشمن، پیروزی را به دست آوردند (آیت‌اللهی، ۱۳۷۹: ۱۲۵).

س) بررسی و شناسایی مردم:

پیامبر اکرم (ص) در جنگ‌ها به مسأله شناسایی مردم منطقه عملیات، توجه داشتند. ایشان وضعیت مردم ساکن در منطقه نبرد را از جنبه‌های گوناگون مورد شناسایی قرار می‌دادند؛ زیرا با داشتن اطلاعات کامل از مردم و امکانات آن‌ها، می‌توان به‌خوبی طرح‌ریزی کرد و به موفقیت‌های نظامی دست یافت.

نمونه:

در جنگ بدر، وقتی با یارانش از کنار قریه‌ای می‌گذشت که اطراف آن را کوه‌هایی فرا گرفته بود، نام کوه‌ها و ساکنان آن قریه را از اصحاب پرسید. اصحاب پاسخ گفتند: آن کوه «مُسلِح» است و آن دیگری «مُجزی» نام دارد و طایفه «بَنو النَّار» و «بَنو حُرَّاق» از بنی غفار در آن زندگی می‌کنند. حضرت می‌خواست دریابد که ساکنان قریه از نظر سیاسی، اقتصادی و فرهنگی چگونه‌اند؛ آیا در جنگ دخالت دارند یا بی‌طرف هستند و در صورت دخالت، آیا جانب دشمن را می‌گیرند و یا دست‌ودلشان با مسلمانان است (آینه‌وند، ۱۳۸۹: ۲۰۵).

ش) شناسایی توان رزم دشمن:

اطلاع از تعداد افراد و تجهیزات دشمن، فرمانده را در تعیین توان رزمی او و آگاهی نسبت به راهکارهای مقابله با آن کمک می‌کند. اگر تعداد نفرات و جنگ‌افزارهای دشمن برای فرمانده مشخص نباشد، نمی‌تواند به توان فیزیکی دشمن پی‌برد و توان لازم را برای مقابله با آن در نظر بگیرد. این شناخت در طرح‌ریزی و هدایت عملیات از اهمیت خاصی برخوردار است. در زمان صلح نیز تغییرات استعداد دشمن احتمالی، روشن‌گر قصد دشمن برای جنگ آینده است.

نمونه:

در جنگ بدر، پیامبر اسلام (ص) حضرت امیر (ع) و زبیر را برای شناسایی استعداد نیروی مقابل به منطقه «بدر» اعزام نمود. فرستادگان پیامبر (ص) به گروه آب‌رسانی قریش برخورد کردند، آنان را اسیر کرده، نزد پیامبر (ص) آوردند. پیامبر (ص) برای به دست‌آوردن استعداد دشمن، از آنان پرسید: چند نفر برای جنگ شرکت کرده‌اند؟ اسیران در پاسخ گفتند: نمی‌دانیم. حضرت پرسید: روزی چند شتر نحر می‌کنند؟ جواب دادند: نه شتر یا ده شتر. پیامبر (ص) با یک تحلیل به مسلمین فرمود: تعداد دشمن بین نهمصد تا هزار نفر است (اردکانی، ۱۳۹۱: ۱۸۵).

روش تحقیق:

نوع تحقیق کاربردی و این پژوهش که با روشی توصیفی تحلیلی و با استناد به منابع کتابخانه‌ای و مقالات معتبر تهیه شده؛ به دنبال آن است که اهمیت اصل غافلگیری را در جنگ‌های پیامبر (ص) مورد بررسی قرار داده است.

تجزیه و تحلیل و نتیجه‌گیری:

نتایج به دست آمده حاکی از آن است که پیامبر (ص) با استفاده از علم لدنی و قدرت ماورای انسانی؛ با مشارکت و برگزیدن پیشنهادات منطقی اصحاب خود و استفاده از تفکر و تدبیر عمیق انسانی خود، عملیات‌های جنگی‌اش را که بر پایه‌های الف) شناسایی نقاط ضعف دشمن؛ ب) رعایت نظم و انضباط و دادن شخصیت به نیروها؛ ج) رعایت اصول حفاظتی و به کارگیری جاسوسان؛ د) رعایت اصل فریب و غافلگیری در اجرای طرح‌ها و عملیات‌ها و ... بود، نیروهای خویش را هدایت می‌نمودند.

از آنجایی که جنگ آینده جنگی ناهم‌تراز است و ایران در مقابل دشمنی قرار گرفته که از لحاظ تجهیزات و فناوری در سطح بسیار بالاتری نسبت به او قرار دارد؛ لذا باید از تاکتیک و اصولی استفاده کند که بتواند بر این نابرابری فائق آید. اگر به اصول جنگ جمهوری اسلامی ایران رجوع کنیم، به اصلی برخورد می‌کنیم که می‌تواند ترازو و تعادل جنگ را در این زمینه تغییر دهد؛ و آن هم اصل غافلگیری است. در این مقاله به کاربردها و منظورها و ارکان اصل غافلگیری اشاره شده و بیان شده که چگونه پیامبر اکرم (ص) با اجرای این اصل با در نظر گرفتن زمان؛ مکان و شرایط مناسب، خساراتی از جمله (آشفتگی روحی و روانی، خسارت مالی و جانی، به هم ریختگی نظم و انضباط دشمن و ...) را بر دشمن تحمیل کرده و بیشترین استفاده را برده و بدین گونه کمبود عده و عُده را جبران نموده و این جنگ نابرابر را به نفع اسلام به پیروزی رسانده است. لذا می‌توان با یک طراحی و برنامه‌ریزی و مدیریت مناسب از این نقص و کمبود تجهیزاتی و فناوری گذر کرد. در جنگ‌های امروزی بایستی ابتدا تمامی تلاش خود را به کار ببریم تا بتوانیم در برابر

نیروهای دشمن غافلگیر نشویم؛ تا اگر به حول و قوه الهی در برابر دشمن غافلگیر نشدیم، در گام بعدی بتوانیم با توجه به توان خود، دشمن را غافلگیر نماییم. برای غافلگیر نشدن در صحنه نبرد، بایستی یک طرح ریزی عملیاتی بسیار عالی را بتوانیم انجام دهیم (طرح ریزی به زبان ساده یعنی آوردن زمان آینده به زمان حال است، یعنی هرگونه عملیات دشمن را شناسایی کرده و در برابر هر عمل او بتوانیم عکس العمل مناسب را داشته باشیم) تا در نهایت تعداد تلفات و خسارات مادی و معنوی و انسانی ما به مراتب از نیروهای دشمن کمتر گردد. در عرصه جنگ تحمیلی نیز چنین تاکتیکی به وفور مورد استفاده قرار می گرفت؛ به عنوان مثال وقتی که ما در برابر دشمنی تا بن دندان مسلح قرار گرفتیم، نیروهای مسلح کشورمان برای برخورد با این دشمن، در یک جنگ ناهمطراز قرار گرفته و بعد از چندین شکست در روزهای ابتدایی جنگ تصمیم گرفتند در برابر این دشمن که هم از نظر عده و هم از نظر تجهیزات و امکانات در برابر ما در وضعیت به مراتب بهتری قرار داشت؛ که کشور آمریکا و کشورهای مرتجع منطقه در این بین، به او کمک مالی و اطلاعاتی و تجهیزاتی می کردند، به این نتیجه رسیدند که بایستی در برابر چنین دشمنی طرح ریزی خاصی صورت گرفته و در زمان خاصی نیز این عملیات ها انجام گیرد. بدین ترتیب، عملیات شبانه برای اولین بار در سطح جهان، توسط نیروهای مسلح کشور ما مورد استفاده قرار گرفت تا با توجه به تاریکی شب، کمبود عده و غده خود را جبران کرده و در نهایت دشمن را نیز غافلگیر نماییم.

پیشنهادات:

دکترین کشور تروریستی آمریکا مبتنی بر سه مفهوم ۱- جنگ در کمترین زمان؛ ۲- جنگ در کمترین تلفات و در نهایت ۳- جنگ با کمترین هزینه استوار است. حال اگر تمامی طرح ریزی ما طوری صورت گیرد که یکی از پایه های دکترین ارتش متخاصم و تروریستی آمریکا را با اختلال مواجه نماییم، در واقع در صحنه عمل این دشمن را دچار غافلگیری کرده ایم؛ یعنی اگر بتوانیم جنگ را از کمترین زمان مد نظر طرف مقابل، به یک جنگ فرسایشی تبدیل کنیم و یا اگر بتوانیم در یک عملیات بیشترین تلفات انسانی را (با توجه به

سطح توان و تجهیزات یگان‌های خودی) به آن‌ها وارد نماییم و نیز اگر بتوانیم هزینه‌های جنگ را برای دشمن متخاصم از طریق حمله به منافع دشمن در نزدیکی منطقه خود، بیشتر و بیشتر کنیم، در واقع دشمن را دچار غافلگیری کرده‌ایم؛ زیرا دشمنی که در برابر ما به نبرد می‌پردازد، در واقع هزاران کیلومتر دورتر از مرز خود با ما می‌جنگد که اگر ما بتوانیم نبرد با چنین دشمنی را به نبردی فرسایشی تبدیل نماییم، هزینه‌های جنگ برای او به حالت تصاعدی بالا رفته و یک نوع غافلگیری در سطح استراتژیک را به نیروهای دشمن تحمیل کرده‌ایم.



منابع:

- ۱) ابن هشام (۱۳۶۸). سیرت رسول الله مشهور به سیره النبی، ترجمه رفیع الدین اسحاق ابن محمد همدانی، تهران: نشر خوارزمی.
- ۲) اشتهازی، محمد محمدی (۱۳۸۵). نگاهی بر زندگی پیامبر اسلام (ص)، تهران: نشر مطهر.
- ۳) آنه ماری، شیمیل (۱۳۸۰). محمد رسول الله (ص)، ترجمه حسن لاهوتی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۴) آیت اللهی، سیدمهدی (۱۳۷۹). آشنایی با جنگ های پیامبر اسلام و امام علی (ع)، تهران: انتشارات جهان آرا.
- ۵) آینه وند، صادق (۱۳۹۵). تاریخ زندگانی پیامبر خاتم (ص)، تهران: انتشارات امام عصر (عج).
- ۶) بلاذری، احمد بن یحیی (۱۳۹۷). انساب الاشراف، تحقیق محمد باقر محمودی، چاپ بیروت.
- ۷) بیات، حسن (۱۳۹۹). اصول و قواعد اساسی رزم، تهران: انتشارات دانشگاه افسری امام حسین (ع).
- ۸) تزو، سون (۱۳۹۹). هنر جنگ، تهران: نشر هورمز.
- ۹) روشن، علی اصغر؛ فرهادیان، نورالله (۱۳۸۷). فرهنگ اصطلاحات جغرافیای سیاسی - نظامی، تهران: چاپ دانشگاه امام حسین (ع).
- ۱۰) سبحانی تبریزی، جعفر (۱۳۷۳). فرازهایی از تاریخ پیامبر اسلام (ص)، تهران: نشر مشعر.
- ۱۱) سلیمی، سیدحسین (۱۳۶۹). روانشناسی نظامی، تهران: نشر بشری.
- ۱۲) جدی، سید مجید؛ فرقانی، حسن (۱۳۸۳). بررسی علل عدم موفقیت عملیات کربلای ۴.
- ۱۳) صفوی، سید یحیی (۱۳۸۷). الزامات راهبردی در جنگ ناهمپراز.
- ۱۴) طاهرینیا، ناصر (۱۳۷۷). سلسله جنگ های پیامبر اکرم (ص)، تهران: انتشارات پیام محراب.
- ۱۵) فیض پور، علی اصغر (۱۳۷۹). تاکتیک های جنگی رسول خدا (ص)، قم: انتشارات مدین.
- ۱۶) پیرزاد فرد، قدرت اله (۱۳۸۴). اصول جنگ و ارتباط آن با عملیات ویژه و مشترک.

بررسی اهمیت اصل غافلگیری در جنگ‌های پیامبر اکرم (ص) و کاربرد آن در عصر حاضر

- ۱۷) قریشی، سید حمیدرضا (۱۳۹۸). فرماندهی و ستاد، تهران: چاپ دانشگاه جامع امام حسین (ع).
- ۱۸) الکندی، وارث (۱۳۸۷). غزوات الرسول، تهران: انتشارات براق.
- ۱۹) کالینز، جان (۱۳۷۷). استراتژی بزرگ، ترجمه کورش بایندر، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- ۲۰) کشاورزی، تیمور (۱۳۶۹). کلیات تاکتیک و هدایت دسته، تهران: دانشگاه علوم انتظامی.
- ۲۱) مهدی‌زاده، یوسف (۱۳۹۳). آشنایی با جنگ ناهم‌تراز، تهران: دانشگاه افسری امام علی (ع).
- ۲۲) نهج‌البلاغه، (۱۳۷۹). ترجمه محمد دشتی، چاپ دهم، قم: موسسه چاپ الهادی.
- ۲۳) نوروزی، محمدتقی (۱۳۸۵). فرهنگ دفاعی امنیت، تهران: انتشارات سنا.
- ۲۴) هیکل، محمدحسین (۱۳۷۶). زندگانی محمد (ص)، ترجمه ابوالقاسم پاینده، چاپخانه علی‌اکبر علمی.
- ۲۵) واقدی، محمد بن عمر (۱۳۶۹). المغازی، ترجمه محمود مهدوی‌دامغانی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- ۲۶) وتر، ظاهر (۱۳۷۴). مدیریت نظامی در نبردهای پیامبر اکرم (ص)، ترجمه اصغر قائدیان، تهران: نشر صریح.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی